

یک اقتصاد نفتی، به معنای بد کلمه

گفتگو با دکتر موسی غنی نژاد، استاد دانشگاه



▶ دکتر غنی نژاد: خصوصی سازی و غیردولتی کردن صنعت نفت باید تدریجی باشد و از فعالیت‌های جانبی نفت آغاز شود.

نفت در اوپک، چنین اظهار کرد: این سازمان به خوبی از درخواست افزایش دو میلیون بشکه نفت در روز آگاهی دارد و هدف ما هم کمک به تثبیت وضعیت نابسامان بازار نفت است.

به هر حال، اوپک همچنان به عنوان یک مرکز تعیین کننده در مبادلات نفت، در موضع قدرت قرار دارد و علیرغم تلاش‌های کشورهای دیگر برای نادیده گرفتن آن، همچنان موقعیت خود را حفظ کرده است. از آنجا که ایران هم یکی از اعضای مهم اوپک بشمار می‌رود و به علاوه، اقتصاد ما به شدت وابسته به فروش نفت خام است، لذا تاثیر اینگونه نوسانات بر اقتصاد کشور قابل توجه و ارزیابی است. به همین علت، به سراغ نظریات کارشناسانه افراد صاحب نظر رفتیم و نظر آنان را در این زمینه جویا شدیم.

دکتر موسی غنی نژاد، استاد دانشگاه صنعت نفت،

در این رابطه به سوالات نشریه پاسخ می‌دهد:
■ / آقای دکتر غنی نژاد، همانطور که می‌دانید، بهای نفت در هفته‌های گذشته شاهد نوسانات روبه‌افزایشی بوده است. در رابطه با علل متفاوت آن هم به ترس از ناتوانی اوپک در عرضه نفت، بروز تروریسم نفتی، گسترش تنش در خاورمیانه و محدودیت ظرفیت پالایش آمریکا اشاره می‌شود. خواهشمند است بفرمایید که نظر شما در این زمینه چیست؟

پدیده جدید (تروریسم نفتی) شد و آن را به عنوان یکی از علل نوسان قیمت نفت نادیده گرفت. از سوی دیگر، اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول بر این عقیده‌اند که افزایش قیمت نفت در سطح کنونی، تهدیدی برای اقتصاد جهانی محسوب نمی‌شود. اما افزایش بیشتر آن از رشد ۴/۶ درصدی اقتصاد جهانی، ۰/۴ درصد و از رشد اقتصادی آمریکا نیز ۰/۵ درصد خواهد کاست. و این خود اثرات نامطلوبی را بر اقتصاد جهانی خواهد گذاشت.

برخی نیز افزایش بهای نفت را به دلیل گسترش ناآرامی در منطقه خاورمیانه و همچنین محدودیت ظرفیت پالایش نفت در آمریکا می‌دانند. در این راستا، خبرگزاری فارس گزارش می‌دهد: رافائل رامیرز، وزیر نفت ونزوئلا، عرضه نفت در بازارهای جهانی را کافی دانسته و می‌گوید: افزایش قیمت نفت به دلیل ناآرامی‌های عراق و کمبود ظرفیت پالایش در آمریکا می‌باشد.

ترس از گسترش عملیات تروریستی علیه تأسیسات نفتی، یکی از عوامل تاثیرگذار بر بازار نفت بشمار می‌رود.

از سوی دیگر، آمریکا در صدد اتخاذ تمهیداتی برای کاهش قیمت نفت در سطح دنیا است. به طوری که اسپنسر ابراهام، وزیر انرژی آمریکا پس از دیدار با مقام‌های روسیه اعلام کرد که آمریکا برنامه‌هایی را برای صادرات نفت و گاز روسیه به این کشور در نظر داشته و قصد دارد که با شرکت‌های بزرگ نفتی این کشور در این زمینه گفتگو کند.

آقای پورونومو یوسگیاتورو، وزیر نفت اندونزی و رییس کنونی اوپک در پاسخ به روند افزایش تولید

این روزها یکی از مسایل جهانی، چالش‌هایی است که بر سر افزایش بهای نفت وجود دارد، تا آنجا که مصرف‌کنندگان با نگرانی در پی جستن راهکارهایی برای حل بحران‌های آتی در این رابطه می‌باشند.

تحلیلگران اقتصادی علل مختلفی را برای این افزایش بهای نفت می‌نمایند که اساسی‌ترین آنها، ترس و ابهام‌زدگی اوپکیان در اثر ناتوانی در تامین نفت مورد نیاز آتی است، زیرا با شروع فصل تابستان و افزایش مصرف بنزین و انواع انرژی نفتی، لزوم افزایش سقف تولید نفت برای آنها از هر زمانی آشکارتر می‌شود. به همین جهت براساس تصمیم اوپک از اول جولای (دهم تیرماه) میزان تولید اوپک دو میلیون بشکه افزایش می‌یابد و به ۲۵/۵ میلیون بشکه در روز می‌رسد. این میزان سپس در صورت مساعد بودن شرایط، از ماه اگوست (یازدهم مرداد) معادل ۵۰۰ هزار بشکه دیگر افزایش خواهد یافت و مجموع تولید اوپک به ۲۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

درباره سایر علل تاثیرگذار بر بازار نفت می‌توان به موضوع دیگری اشاره نمود و آن هم ترس از حملات و گسترش تروریسم در مورد تأسیسات نفتی می‌باشد. براساس یک گزارش، چندی پیش عده‌ای تروریست به تأسیسات نفتی در عربستان سعودی حمله‌ور شدند و پنج نفر از کارکنان آن را به قتل رساندند. البته در پاسخ به این گزارش، شرکت ملی نفت عربستان سعودی (آرامکو) اعلام کرد که میدان‌ها و تأسیسات نفتی این کشور کاملاً تحت کنترل بوده و نیروهای امنیتی در دریا، خشکی و مناطق مرزی در حد بسیار وسیع و به طور دائم در حالت آماده‌باش بسر می‌برند و به شدت این مناطق را تحت محافظت دارند. اما با تمام این اوصاف نمی‌توان به طور کلی منکر بروز این

□ همه این عوامل درست است، منتها عامل دیگری هم وجود دارد و آن هم بالارفتن تقاضا در سطح جهان است. شما تنها از دیدگاه عرضه این موضوع را بررسی نمودید و گفتید که مشکل در افزایش عرضه پیدا شده است و تهدید روی آن وجود دارد، یعنی این که حمله به سکوهای نفتی، تهدیدی است که ذخیره‌کننده‌های نفت را نگران می‌کند، لذا خریدهای خود را افزایش می‌دهند تا ذخیره‌های احتیاطی خود را افزایش دهند. این موضوع یک بعد قضیه است، اما بعد دیگر این است که به‌طور کلی تقاضا برای نفت زیاد شده است و از علل آن هم می‌توان به رشد اقتصادی بسیار بالای چین، کمتر از آن هند و در نهایت خود آمریکا اشاره کرد، زیرا نرخ رشد اقتصادی هرچه بالاتر باشد، تقاضا برای سوخت بیشتر را ایجاد می‌کند. در نتیجه، می‌توان گفت که این نوع تقاضا هرگز کاهش پیدا نخواهد کرد و به صورت ثابت وجود خواهد داشت. به همین علت، بسیاری از اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که این بار بهای نفت مانند سابق، دچار افت و خیزهای شدید نخواهد شد. البته ممکن است که افت پیدا کند، اما نه مانند سال‌های ۷۰ یا ۸۰ میلادی. در واقع، بیشتر کارشناسان و اقتصاددانان معتقدند که تداوم فزاینده‌ای در رابطه با بهای نفت در آینده خواهیم داشت.

دکتر غنی‌نژاد: اگر بخواهیم به قدرت خرید سال ۸۰ میلادی برسیم، قیمت نفت باید به مبلغی معادل ۶۰ تا ۷۰ دلار در هر بشکه برسد.

□ / نظریه‌ای که وجود دارد، این است که با توجه به رشد اقتصادی و افزایش تورم در زمان کنونی، بهای نفت هنوز به نصف بهایی که در دهه ۸۰ رسیده بود، نرسیده است و هنوز هم نسبت به آن زمان رشد غیرطبیعی در قیمت نفت مشهود نیست. آیا شما با این نظریه موافقید؟

□ بله همینطور است. در سال ۱۹۸۰ قیمت نفت (البته در مدت کوتاهی) به ۳۹ تا ۴۰ دلار رسید. بعد از انقلاب در ایران، یک بحران عرضه و نگرانی در سطح دنیا ایجاد شد که باعث بالارفتن قیمت نفت در آن زمان شد. اکنون نیز ما به همان قیمت ۳۹ تا ۴۰ دلار رسیده‌ایم. اما اکنون این رقم، قدرت خریدی به مراتب

کمتر از قدرت خرید همین مبلغ در دهه ۸۰ دارد. البته من دقیقاً محاسبه نکرده‌ام، اما می‌دانم که این ۴۰ دلار را با آن ۴۰ دلار گذشته نمی‌توان مقایسه کرد. اکنون اگر بخواهیم به قدرت خرید سال ۸۰ برسیم، قیمت نفت باید به مبلغی معادل ۶۰ تا ۷۰ دلار برسد. در واقع، می‌توان گفت که این مساله مربوط به قدرت خریدی است که دلار در دوران‌های مختلف دارد.

نکته دیگری نیز وجود دارد و آن این است که بیشتر صادرات نفتی به دلار پرداخت می‌شود و تضعیف دلار در مقابل یورو، باز هم مشکلی است در جهت قدرت خرید صادرکننده‌های نفت. به‌عنوان مثال، در ایران، ما درآمدهای حاصل از نفت را به دلار دریافت می‌کنیم، اما چون واردات ما با یورو صورت می‌گیرد، لذا واردات ما برایمان به مراتب گرانتر از صادراتمان تمام می‌شود. وزیر نفت هم چندی پیش به این موضوع اشاره نمود. با توجه به این مسایل باید بدانیم که علیرغم این که نفت در ایران بشکه‌ای ۳۸ دلار به فروش می‌رسد، اما قیمت آن برای ما ۲۷ تا ۲۸ دلار بیشتر نیست.

□ / برخی از اقتصاددانان معتقدند که افزایش ارزش کنونی نفت در حدی نیست که اقتصاد جهانی را دچار شوک نفتی کرده باشد و این افزایش تاثیر چندانی روی اقتصاد جهانی نداشته و پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول را نیز تحت تاثیر قرار نداده‌است. نظر شما در این مورد چیست؟

□ اعتقاد من بر این است که اگر این روند تداوم پیدا کند، قطعاً در اقتصاد جهانی موثر خواهد بود. در دهه ۱۹۷۰ نیز همین مشکل وجود داشت. افزایش بهای نفت در سال‌های بین ۷۲ تا ۷۴ میلادی باعث شد که کشورهای صنعتی دچار رکود شوند یا به‌عبارت دیگر، رکودی که بدان دچار شده بودند، تشدید شد و این موضوع را همه اقتصاددانان حتی آنان که بی‌طرف و بی‌نظر بودند نیز تایید می‌کردند.

در هر صورت، بهای سوخت یکی از نهاده‌های مهم برای تولیدات صنعتی بشمار می‌رود و اگر افزایش شدیدی داشته باشد، یقیناً بر قیمت تولید تاثیر خواهد گذاشت تا آنجا که حتی بازارهای مصرف نیز متاثر خواهند شد و در نتیجه آن، یک جریان رکودی را ایجاد خواهد کرد. البته ابعاد تاثیرگذاری آن امریست که امروز نمی‌توان آن را پیش‌بینی کرد، اما می‌توان گفت که اگر از این هم بیشتر شود، یقیناً شوک رکودی را

برای کشورهای صنعتی به‌دنبال خواهد داشت. بنابراین، من معتقدم که کشورهای صادرکننده نفت در حال حاضر باید تنها تولیدات خود را افزایش دهند و خیلی به این افزایش بهای نفت دامن نزنند، زیرا این مساله خطر دیگری را برای خود کشورهای صادرکننده نفت ایجاد خواهد نمود، بدین معنا که اگر ما با افزایش بهای نفت باعث شویم که اقتصاد کشورهای صنعتی دچار رکود شود، این احتمال وجود دارد که تقاضا برای خرید نفت کاهش یابد و ناگهان قیمت نفت افت شدیدی پیدا کند که این موضوع اصلاً به سود ما نخواهد بود. بنابراین، چنانچه بتوانیم قیمت را در یک حالت روبه‌افزایش نگاه‌داریم، بیشتر منتفع خواهیم شد تا این که شدیداً بهای نفت بالا برود و سپس کاهش شدیدی پیدا نماید.

کشورهای صادرکننده نفت نباید به جریان افزایش بهای نفت خام خیلی دامن بزنند، بلکه باید سعی کنند تا تولیدات خودشان را افزایش بدهند.

نکته مهم دیگری که در رابطه با بازار نفت می‌توان عنوان کرد، این است که هنگامی که قیمت نفت بیش از حد بالا می‌رود، تولیدکننده‌های حاشیه‌ای که هزینه تولید بالایی دارند و در شرایط عادی صرفه را در استحصال منابع خود نمی‌دیدند، وارد عرصه می‌شوند و باعث ازدیاد عرضه خواهند شد. به‌عنوان مثال، خیلی از کشورها از جمله آمریکا، به علت این که هزینه استخراج از بعضی مخازن خود را بالا می‌بینند، مبادرت به خرید نفت از بازار خارجی می‌نمایند، اما اگر ناگهان قیمت خرید از بازارهای خارج بالغ بر ۴۰ تا ۴۵ دلار شود، آنگاه بدهی است که صرفه را در استخراج از منابع خود یا اکتشاف در مناطق دیگر ببینند تا بتوانند از این طریق عرضه را بالا ببرند.

در چنین شرایطی، یعنی در زمانی که قیمت نفت بالا می‌رود، طبیعتاً است که سرمایه‌گذاری در امر نفت هم سودآوری بیشتری خواهد داشت و کشورهای نفتی رغبت بیشتری پیدا می‌کنند که در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند و عرضه را زیاد نمایند، که باز هم بازتاب آن بر بازار نفت این خواهد بود که بر اثر افزایش عرضه، قیمت نفت پایین می‌آید.

□ / در چنین شرایطی، کشورهایی که دارای

ذخایر خوبی هستند، از ذخایرشان استفاده می‌کنند، اما کشورهایی که دارای این ذخایر نیستند، تکلیفشان چیست و چگونه می‌توانند به پایین آوردن تقاضا کمک کنند؟

□ به‌وسیله صرفه‌جویی بیشتر. به عنوان مثال، در دهه‌های ۷۰ که بازار نفت با شوک بسیار بالاتر از اکنون روبرو شده بود، به‌طوری که ظرف مدت نه ماه قیمت نفت به چهار برابر رسید (که اکنون برای رسیدن به آن شرایط، بهای نفت باید به بشکه‌ای ۱۰۰ دلار برسد) پیش‌گرفتن راه صرفه‌جویی در مصرف انرژی، منجر به تولید اتومبیل‌های کم‌مصرف شد و کشورهای اروپایی و ژاپن بدان سوی رفتند، زیرا این کشورها بیشتر واردکننده بنزین بودند و خیلی زود به صرافت تولید موتورهای کم‌مصرف افتادند. علاوه بر این، صرفه‌جویی در سوخت خانگی از طریق تولید لامپ‌های کم‌مصرف، صرفه‌جویی در مصرف انرژی در ساختمان‌ها به صورت عایق‌کاری‌های مستحکم‌تر که منجر به تحولاتی در صنعت ساختمان‌سازی شد و... نیز همه به انگیزه صرفه‌جویی در مصرف سوخت و انرژی صورت گرفتند و باعث شدند که تقاضا تا حد امکان توقف کند.

■ ■ ■
مادامی که بانک‌ها و موسسات مالی خارجی اجازه فعالیت در ایران را نداشته باشند، امکان سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی به صورت گسترده وجود نخواهد داشت.
 ■ ■ ■

اکنون نیز اگر افزایش بهای نفت ادامه پیدا کند، قطعاً تمهیدات و شرایط دیگری برای توقف تقاضا ایجاد خواهد شد و در ادامه شاید این حرکات صرفه‌جویانه به کشور ما نیز سرایت کند و موجب شود که ما نیز به خودمان بیایم و در مصرف صرفه‌جویی کنیم.

□ / یعنی شما فکر می‌کنید که افزایش سهمیه تولید اعضای اوپک نیز کارساز نخواهد بود؟

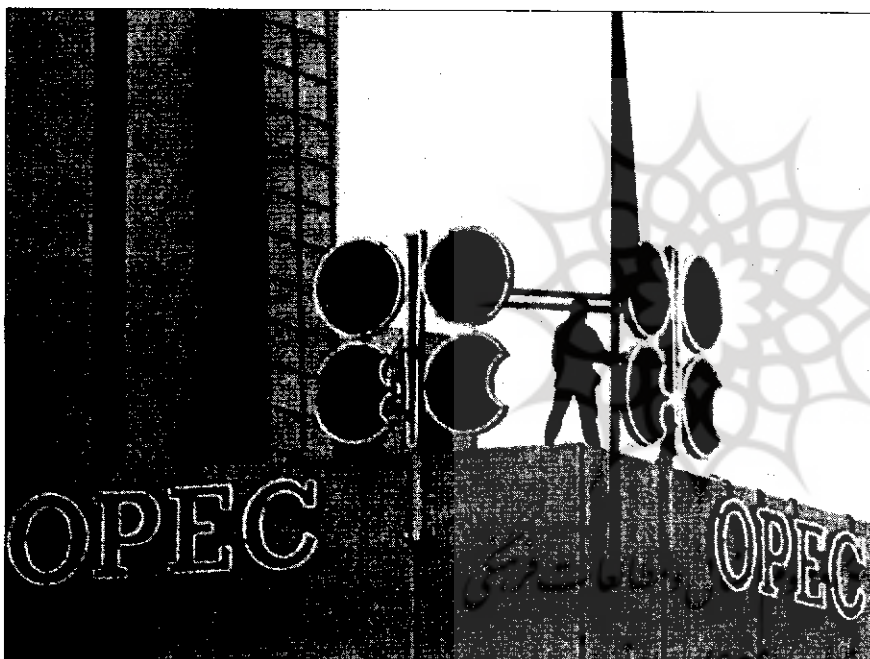
□ متأسفانه در حال حاضر اوپک در وضعیتی قرار دارد که می‌توان گفت در واقع غیر از کشور عربستان سعودی، دیگر اعضای آن توان و ظرفیت افزایش تولید را ندارند. به‌عنوان مثال، خود ایران، اکنون در شرایطی است که هر قدر هم از وی بخواهند که سقف

تولید را افزایش دهد، نمی‌تواند، زیرا این کشور تقریباً در ظرفیت کامل خود در حال تولید نفت بوده و نمی‌تواند در کوتاه‌مدت ظرفیت تولید خودش را افزایش دهد. بنابراین، از طریق عرضه خیلی نمی‌توان روی تاثیرگذاری بر قیمت نفت حساب کرد و ممکن است ناگهان اختیار از دست هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده خارج شود و شرایط بحران و شوک برای تولیدکنندگان بوجود آید. البته در حال حاضر علایم چنین وضعیتی دیده نمی‌شود، اما احتمال آن نیز کم نیست.

□ / چندی پیش، وزیر انرژی آمریکا، پس از سفر خود به روسیه اشاره نمود که قرار است به همراه

تولیدکنندگان نفت و گاز دنیاست و بیش از این نیز صادرات خود را در کنار اوپک انجام می‌دهد، و اگرچه گاهی همدلی‌هایی با اوپک نشان می‌دهد، اما هرگز عضو آن نبوده و معمولاً به صورت مستقل عمل می‌کرده است. اکنون نیز ارتباط وی با آمریکا نباید چندان تاثیرگذار بنماید، زیرا عملکرد وی در ادامه سیاست‌های قبلی‌اش می‌باشد و گمان نمی‌کنم که تاثیر چندانی داشته باشد.

□ / بعضی از تحلیلگران بر این باورند که بهای نفت بیش از هر جایی اقتصاد آسیا و به‌خصوص چین را تحت تاثیر قرار خواهد داد. نظر شما چیست؟



▲ آیا اوپک همچنان در موضع قدرت خواهد ماند؟

□ علت این جریان، رشد تولیدات صنعتی و رشد اقتصادی در کشور چین می‌باشد. حدود دو دهه است که میانگین رشد اقتصادی چین هر بار بالای هشت درصد بوده است. ژاپن نیز به عنوان یک کشور پیشرفته صنعتی، یکی از مصرف‌کننده‌های عمده

■ ■ ■
با توجه به محدودیت ظرفیت تولید کشورهای عضو اوپک، از طریق عرضه نمی‌توان اثر زیادی بر قیمت نفت گذاشت.
 ■ ■ ■

شرکت‌های بزرگ نفتی کشورش، واردات نفت و گاز از روسیه را مورد بررسی قرار دهند و مقدمات آن را فراهم آورند. این تصمیم‌گیری از طرف آمریکا که یکی از مهمترین مشتریان اوپک محسوب می‌شود، چه تاثیری بر شرایط اوپک و بهای نفت خواهد گذاشت؟

□ مسلم است که سازمان اوپک قدرتش نسبت به قبل به مراتب کمتر شده است، یعنی به لحاظ توان تولیدی، صادراتش نسبت به کل دنیا کاهش یافته و اکنون تنها حدود ۳۰ درصد از سهم توزیع نفت جهان را در اختیار دارد، در حالی که روسیه یکی از بزرگترین

فرآورده‌های نفتی می‌باشد و قطعاً نوسانات نفت آنها را تحت تاثیر قرار خواهد داد. اما این موضوع مربوط به حد نوسانات کنونی نیست و اگر این میزان در حد ۲۵-۳۴ دلار باقی بماند، خیلی نباید تاثیر بر وضعیت کشورهای آسیایی داشته باشد.

❑ / اکنون بفرمایید که وضع ایران در این میان چگونه خواهد بود؟ آیا می‌توان امیدوار بود که افزایش بهای نفت، درآمدهای ارزی کشور را بالا برد؟ به‌طور کلی، تاثیر این نوسان قیمت بر اقتصاد ایران چه خواهد بود؟

□ بدیهی است که اگر صادرات نفت در همین میزان باقی بماند، افزایش بهای آن، درآمدهای ارزی را بالا خواهد برد، اما اگر مصرف داخلی زیاد شود، با توجه به این که در کوتاه‌مدت نمی‌توانیم ظرفیت تولید خود را بالا ببریم، اثر کاهنده‌ای روی درآمدهای نفت خواهیم داشت. بنابراین، کاری که در ایران باید کرد، این است که چون قیمت نفت، دارای چشم‌انداز افزایشی است، لذا بهتر است که برای سرمایه‌گذاری با شرکت‌های خارجی تلاش شود تا ظرفیت و توان تولید بالا رود، زیرا این اندازه سرمایه‌گذاری برای رسیدن به اهداف فوق کافی نیست.

البته ما می‌گوییم که در برنامه چهارم، یعنی تا پنج سال دیگر تولید ما به شش میلیون بشکه در روز خواهد رسید، اما با توجه به وضعیت فعلی سرمایه‌گذاری، خیلی نمی‌توان اطمینان داشت که به این هدف برسیم.

❑ / و در مورد اقتصادمان؟

□ خوب، باید گفت که اقتصاد کشور ما، یک اقتصاد نفتی به معنای بد کلمه است، نه به معنای خوب آن. یعنی می‌شود گفت که بخشی از اقتصاد کشورهای پیشرفته هم نفتی است، اما به این شکل که دارای پالایشگاه و صنعت نفت می‌باشند، مانند فرانسه یا ایتالیا و ژاپن که نفت ندارند، اما صنعت نفت بسیار پیشرفته‌ای دارند و اکنون نیز در صنایع بالادستی و پایین‌دستی این مقوله فعالند. پس می‌توان گفت که این کشورها، کشورهای نفتی نیز هستند. اما کشور ما تنها نفت خام صادر کرده و نمی‌تواند فرآورده‌های نفتی را تولید کند و در شاخه‌های مختلف صنعت نفت مانند استخراج، اکتشاف و تولید هیچگونه پیشرفتی نداشته است و بیشتر مصرف‌کننده و واردکننده فرآورده‌های نفتی هستیم. به‌همین دلیل می‌توان گفت که اقتصاد ما یک اقتصاد نفتی از نوع بد آن است.

اقتصاد ایران، وابسته به فروش نفت خام است و این بدترین حالت نفتی بودن یک اقتصاد است، زیرا با این ترتیب آسیب‌پذیری آن بالاتر می‌رود. وقتی که کل صادرات ما به میزان ۷۵ تا ۸۰ درصد به یک قلم کالا وابسته باشد، بدیهی است که آسیب‌پذیری مان زیاد می‌شود و نوسانات و مشکلات آن مستقیماً اقتصاد داخلی را هدف قرار می‌دهد، کم‌اینکه می‌بینیم وقتی رشد بهای نفت خام بالا است، وضع اقتصادی ایران خوب است و هرگاه بهای آن پایین است، ایران هم دچار مشکل می‌شود. از این وضعیت بایستی بیرون آمد، زیرا درست است که درآمدهای نفتی به ما امکان سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و سطح رفاه بالاتری را می‌دهد، اما وابسته کردن خود و به‌خصوص بودجه دولت به نفت، در شرایطی که در این سال‌های اخیر حتی بودجه جاری آن نیز وابسته به نفت شده است، وضعیت بد و خطرناکی را پیش خواهد آورد و ما باید سعی کنیم که منابع بودجه دولتی‌مان مستقل از نفت تامین شود و درآمد نفت، بیشتر در هزینه‌های عمرانی، زیرساخت‌ها و... استفاده شود.

❑ / دولت چه اقداماتی را برای قطع وابستگی به نفت انجام داده است؟

□ اقداماتی مثل تمرکز بیشتر بر روی پتروشیمی، توسعه پالایشگاه‌ها و... باعث تنوع در صنعت نفت شده است. اما این ابداعات و تمهیدات باید هرچه بیشتر توسعه یابد و حرکت خود را نیز باید بسیار سریع‌تر نماییم، زیرا مسیری که در آن حرکت می‌کنیم، مسیر درستی است و قدم‌های مثبتی نیز برداشته شده، اما بسیار کند است.

❑ / چرا؟

□ به‌نظر من، یکی از علل اساسی سستی و کندی این اقدامات دولتی بودن آنها است، چون امروزه تمام بخش‌های دولتی دچار کندی و فلج در تصمیم‌گیری می‌باشند.

❑ / خواهش می‌کنم بفرمایید که در این زمینه چه راهکار عملی‌ای را پیشنهاد می‌فرمایید؟ آیا منظور شما از غیردولتی‌شدن صنعت نفت، همان راهکاریست که در برنامه چهارم تحت عنوان بهره‌مالکانه آمده است، یا راهکار خاص دیگری در‌م‌نظر تان می‌باشد؟

□ آنچه در برنامه چهارم آمده است، گرچه به لحاظ تئوریک پیشنهاد خوبی است، اما تصور نمی‌کنم که در شرایط فعلی ایران قابل اجرا باشد و یا چنانچه اجرا

شود، نتایج خوبی به‌دنبال داشته باشد. صنعت نفت در ایران سابقه طولانی دارد و از ابتدا هم به شکل یک شرکت انتزاعی دولتی فعالیت کرده است. بنابراین، درهم‌ریختن صنعت نفت و تبدیل آن به یک سازمان متفاوت، یقیناً در کوتاه‌مدت کار بسیار سختی خواهد بود و هزینه‌های زیادی را به کشور تحمیل خواهد کرد. خصوصی‌سازی و غیردولتی‌کردن صنعت نفت باید به صورت تدریجی باشد و در ابتدا از طریق فعالیت‌های جانبی نفت انجام شود، یعنی باید از پتروشیمی، واگذاری پالایشگاه‌ها و یا پخش و توزیع نفت و فعالیت‌هایی از این قبیل شروع کرد و پس از آن به مسایل بزرگتر و ساختاری عمده مانند استخراج و اکتشاف پرداخت. بنابراین، این مساله، یک موضوع پیچیده و مدت‌دار است و دگرگون کردن فوری چنین صنعت عظیمی غیرممکن می‌نماید.

مسایل دیگری هم در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت وجود دارد که خود به بحث جداگانه‌ای نیاز دارد و بخشی از آن هم مربوط به قوانین دست‌وپاگیر در این رابطه می‌باشد. باید تا حدودی قوانین دست‌وپاگیر در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی را اصلاح نمود تا نگاه‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی به‌راحتی بتوانند با نگاه‌های داخلی شراکت کنند و در عرصه صنعت نفت و بخش‌های گوناگون فعالیت داشته باشند و نقش بسزایی را در پیشرفت این صنعت ایفا نمایند.

البته بخشی از قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران اصلاح شده است، اما به‌نظر من کافی نیست و بایستی آزادسازی‌های بیشتری در این زمینه صورت گیرد. از سوی دیگر، باید امکان فعالیت موسسات مالی، اعتباری و بانکی خارجی در ایران فراهم شود. اکنون موانعی در این رابطه وجود دارد که فعالیت اینگونه موسسات مالی و اعتباری را غیرممکن می‌سازد. مادامی که این موسسات اجازه فعالیت در ایران را نداشته باشند، سرمایه‌گذاری خارجی به صورت گسترده، به خصوص در بخش خصوصی با مشارکت خارجی‌ها امکانپذیر نخواهد بود. بنابراین، نیاز است که در این رابطه هم اصلاحات قانونی صورت گیرد.

❑ / از جنابعالی سپاسگزاری می‌کنیم. ■

گفتگو از: شیوا معتمدی